نگاه

همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید

زهره‌قلیچی

فیلم کمال‌الملک ساخته علی حاتمی یک سکانس دارد که شاه می‌گوید: همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید. اتابک بدش نیاید ما که صدراعظمی مثل بیسمارک نداریم تا نقاشی‌باشی آن‌طور داشته باشیم... .

ایرانِ ما کشور ادبیات‌خیز است. هر گوشه‌اش را که ببینی، شاعری متولد شده است. اینجا کشور متل‌ها و ضرب‌المثل‌هاست؛ یعنی برای هر موقعیتی که تصورش را بکنید، ضرب‌المثل مطابق‌شان در این زبان داریم. در کنار تمام این کنایه‌ها و استعاره‌ها که در قالب جملات نغز و ضرب‌المثل و... به کار می‌رود، ضرب‌المثلی در جامعه استفاده می‌شود که «شاه» هم استفاده کرده است و در آن می‌گویند «همه چیزمان به هم چیزمان می‌آید». به طور طبیعی این جمله وقتی استفاده می‌شود که فرد عصبانی است و مراد هم از استفاده چنین جمله‌ای، این است که حالا اگر فلان نکته سامان ندارد، به این دلیل است که هیچ چیز دیگر دارای سامان و قرار نیست.

برق هست، گاز نیست

اواسط همین هفته جاری بود که در میان اخبار قطعی برق و آمدن ویروس چینی و کلی نابسامانی دیگر، یکی‌اش خیلی به چشم می‌آمد. خبری که هرچه بگویی از میزان تلخی‌اش کم نمی‌شود. خبر این است که عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفته است: هماهنگی میان نمایندگان مجلس و دولت سبب شده که وضعیت تأمین برق به ثبات برسد، اکنون با کمترین میزان خاموشی‌ها روبه‌رو هستیم و نگرانی کنونی ما برای تأمین گاز است.

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس دوازدهم، در پاسخ به گله‌مندی صنایع از عملکرد وزیر صمت در بحران انرژی گفت: نگاهی که صنایع به موضوع ناترازی انرژی در کشور دارند، تک‌بعدی بوده و بر اساس این است که این نتیجه را حاصل کرده‌اند که دولت و به‌ویژه وزیر صمت به این امر توجه کافی مبذول نمی‌دارد، اما ما در مجلس و از نزدیک شاهد هستیم که ایشان وظایف خود را انجام می‌دهند؛ ضمن اینکه در کمیسیون صنایع ترکیب وزرای نفت، نیرو و صمت حضور داشتند و در تلاش برای حل مسائل بودند.

او افزود: ناترازی انرژی کنونی حاصل قصوری است که در تابستان رخ داده بود. در تابستان منابعی باید ذخیره و در زمستان به نیروگاه‌ها تزریق می‌شد اما در بحبوحه تغییر دولت این اتفاق نیفتاد و در نتیجه وضعیت کشور در تأمین انرژی بسیار بغرنج شد. با این حال این پیچیدگی تنها به صنعت محدود نبود و خانوار را هم درگیر کرد.

پوردهقان تصریح کرد: در این شرایط وزیر صمت نیز به‌شدت پیگیر موضوع کمبود برق و گاز صنایع بوده‌اند و ترکیب هماهنگی میان نمایندگان مجلس و دولت سبب شده که وضعیت تأمین برق به ثبات کنونی برسد. به همت وزارت نفت از شدت چالش تأمین خوراک نیروگاه‌ها کاسته شده و با کارآمدی وزارت نیرو کشور اکنون با کمترین میزان خاموشی‌ها روبه‌رو هستیم و نگرانی کنونی ما برای تأمین گاز است. با این حال به صنعت حق می‌دهیم که با توجه به سهم ۵۰درصدی که در ایجاد تولید ناخالص داخلی کشور دارد، مطالبه‌گر باشد.

ضرب‌المثل کاربردی

آن ضرب‌المثل که ابتدا عرض کردم، دقیقا چنین جایی قابلیت استفاده دارد؛ یعنی این روزها وقتی می‌خواستیم در تاکسی و اتوبوس یا هر جای دیگر، خبر از نامرادی‌ها بشنویم، همان ضرب‌المثل آقای شاه را باید به کار می‌بردیم و هر جای کوچه و خیابان را که تماشا می‌کنیم، هم همین ضرب‌المثل مثل ذکر در ذهن‌مان می‌چرخد.

به‌ویژه اگر یک مقام مسئول بعد از آن روزهای قطعی برق که پشت سر هم برق نبود و ملت ساعاتی از روز را با بی‌برقی زندگی می‌کردند، بگوید برق داریم، اما حالا نگران گاز هستیم، باید گفت: واقعا همه چیزمان به همه چیزمان می‌آید. حالا بدتر اینکه رئیس توانیر هم چندی پیش اظهارنظر کرده بود باید نگران گازوئیل هم باشیم؛ زیرا که همین چندی پیش، در انتهای پاییز سال جاری، مصطفی رجبی‌مشهدی، مدیرعامل توانیر، به‌عنوان فردی مطلع خبر از کاهش ۲۰ تا ۳۰درصدی گازوئیل تحویلی به نیروگاه‌ها داد. اقدامی که شنیده‌ها نشان می‌دهند نقشی پررنگ در ناترازی و قطعی پی‌درپی برق در روزها و هفته‌های گذشته داشته است.

اینکه همه چیزمان به همه چیزمان می‌آید، بخش بدتری هم دارد؛ چون باز هم در همین هفته بود که یک استاد دانشگاه در معرض پرسشی درباره ذخایر گازوئیل کشور قرار گرفت و پاسخ داد: به نظر می‌رسد بخش مهمی از ذخایر گازوئیل کشور به فروش رسیده، ولی مشخص نیست به داخل فروخته شده یا خارج. در هر حال ما در کشور ارگان‌هایی داریم که شرکت پالایش و پخش باید به آنها پاسخ‌گو باشد و مشخص کند چه مقدار تولید شده و چگونه این تولیدات توزیع شده است. من تردید ندارم که اگر مشخص شود شرکت ملی پالایش و پخش خود رأسا چنین اقداماتی کرده یا صلاح مردم ایران را در نظر نگرفته باشد، مجبور به پاسخ‌گویی خواهند شد و با متخلفان احتمالی آن برخورد می‌شود.

این داستان و موضوعات سلسله‌وار، روایت تلخی است از نوع مدیریت در یکی از مهم‌ترین موضوعات که ممکن است به نارضایتی عمومی بینجامد. این روایت آنجا تلخ‌تر می‌شود که روزی رئیس‌جمهوری از قاچاق فلان قدر سوخت روزانه از داخل به خارج خبر می‌دهد و ناترازی سوخت را به آن نسبت می‌دهد و بعد یک مقام مسئول خبر می‌دهد که هر روز فلان قدر از همین قاچاقچیان، سوخت خریداری می‌شود و هرچند فردایش وزارت نفت دست‌وپا می‌زند و جوابیه می‌دهد که چنین است و چنان، اما همان جوابیه هم خودش می‌شود یک درد.

اینها دقیقا همان چیزهایی است که سامان را از حوزه مدیریت این کشور برده است. کشور دچار ضعف بوروکراتیک شده که هر لحظه توان حل مسئله در آن کم و کمتر می‌شود. متأسفانه ایراد مسئله در این نظام بوروکراتیک این است که مسائل حل‌نشده در آن انباشت می‌شود. سخنان مسئولان هر بخش را ببینید. تقریبا خودشان از همه چیز ناراضی‌اند. به همین دلیل به نظر در گام نخست باید پیش از هر چیز ادبیات مسئولان درست شود.

همه این مسائل گفته شد تا تأکید کنیم که بعید به نظر می‌رسد آن‌طور که خود مسئولان گفته‌اند، با وجود کاهش ساعات خاموشی، مسئله ریشه‌ای حل شود. این کشور مطابق آنچه کارشناسان می‌گویند، برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌ها به هر دلیل در دولت‌های پیشین اقدام درخورتوجهی انجام نداده است (این دولت هم که تازه روی کار آمده است) و حتی اگر درد مقطعی تسکین پیدا کند، چاره‌اش باید دائمی باشد.

عکس: امیررضا مقدم، بانگاه خبرنگاران جوان

روایتی از زندگی در محلات کم‌برخوردار

از متن به حاشیه

حمیدرضاعظیمی

صدای موسیقی توی خیابان پیچیده و ضرباهنگش مثل خوره به جان ذهن می‌افتد. آن سوی صدا، کودکی با حزن می‌خواند. چنان حزنی که گاه روحت به استیصال می‌افتد؛ لهجه‌اش گویا نیست اما کلمات را می‌شود وسط حرف‌هایش یکی در میان فهمید. سوز افتاده توی صدایش و از ته اعماق قلبش چنان آهنگین داد می‌زند که دوست داری کنار خیابان بنشینی و زانویت را بغل کنی و های و های گریه کنی. «حاشیه» همیشه این‌طور است. می‌خواهد حاشیه جهان باشد یا حاشیه یک شهر؛ همین که از متن دور است، تشریفات و ملزومات حاشیه خودش را به آن تحمیل می‌کنند و «سوز» و «درد» می‌شود بخشی از آن. اینجا حاشیه است و درد بخشی از آن است. حاشیه است و هر جایش را بکاوی، مثل چاه نفت، چاه ویلی از سوز سر باز می‌کند، زخم می‌شود و دردش می‌ریزد توی اعضا و جوارح محله... .

مشهد و حاشیه‌نشینی

سال‌های پیش بود، در ابتدای دهه ۸۰ که قدم‌زدن در حاشیه‌های شهر مشهد هر هفته در سیاهه اعمالم نوشته شده بود. هی می‌گشتم و می‌گشتم و همه این گشتن‌ها تبدیل به کلمه می‌شد و از صفحات روزنامه و مجله سر درمی‌آورد. یک بار می‌شد «قلعه ساختمان؛ از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» و یک بار دیگر «گلشهر؛ نه خبری از گل است، نه خبری از شهر». آن روزها هیچ یادم نمی‌رود، دولت «مراکز گذری» را راه انداخته بود که تعریفش کاهش آسیب‌های اجتماعی بود. مراکز گذری در محلات حاشیه شهر تأسیس شده بودند و معتادان را از هر نوع که بودند می‌پذیرفتند و به آنها خدمات بهداشتی می‌دادند. یکی از اقدامات آن روز این بود که به این جماعت، هر روز یک وعده غذای گرم می‌دادند و البته سرنگ. خیلی‌ها هم اعتراض کرده بودند، اما دادن سرنگ تا حد زیادی باعث می‌شد آنها از سرنگ مشترک استفاده نکنند و شاید به همین دلیل هم بود چند سال بعد از این اقدامات، آمار ابتلا به ایدز کمتر شده بود یا شاید هم برای ما که آن روزها را دیده بودیم این تصور پیش آمده بود که ایدزی‌ها کمتر شده‌اند. مرکز گذری نوده در جاده قدیم قوچان شاید به این دلیل از خاطرم نمی‌رود که آنجا نخستین بار با یک زن ملاقات کردم که هم معتاد بود و هم مبتلا به ایدز و از قضا آن روزها و آن گزارش هم مثل همه گزارش‌های دیگر منتشر شد.

اینها هیچ‌وقت از ذهن پاک نمی‌شود، اما حالا تمام آنچه بازتاب داده شده به نظر از میزان حاشیه‌نشینی در مشهد یا در هر شهر دیگر کم نکرده است. هنوز آمارها نه‌تنها سر جایش باقی مانده که به نظر بیشتر هم شده است. هنوز وقتی مسئولان آمار می‌دهند، این جملات گل‌درشت محکم توی صورت شنونده می‌خورد که: مشهد با حاشیه‌ای که ۱۳ درصد گستره آن را دربر گرفته و ۳۲ درصد جمعیت این کلان‌شهر را در خود جای داده، از شهرهایی است که بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین را در کشور دارد. و همان آمارهای دولتی می‌گوید: بیش از یک‌میلیون‌و ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت کلان‌شهر مشهد در ۶۶ پهنه حاشیه‌ای این شهر سکونت دارند و این در حالی است که این پهنه‌ها میزبان بسیاری از اتباع مجاز و غیرمجاز کشورهای همسایه است و این اتفاق باعث شده مناطق نامتقارن شهری در اطراف شهر و در تماس با روستاهای پرجمعیت چسبیده به این شهر، شرایط خاص زیستی را برای این کلان‌شهر رقم بزنند.

سال گذشته درست کمی بعد از نیمه دومین ماه پاییز، آن روزها که هنوز محمد مخبر معاون اول رئیس‌جمهوری بود، به صورت سرزده در یکی از مناطق حاشیه شهر مشهد حضور یافت و با شهروندان و بازاریان درباره مشکلات حرف زد. بعد هم آمد و در نشست با مسئولان خراسان رضوی شرکت کرد و گفت: باید با مسئولیت استاندار، فهرستی از اختیارات مورد نیاز برای حل مشکلات این بخش از شهر و تدوین سندی برای جلوگیری از گسترش این مناطق تهیه و ارائه شود. باید در ادامه اجرای طرح تحول در حاشیه شهر مشهد ارائه خدماتی همچون مسکن، آب و فاضلاب و ساخت مدارس در اولویت قرار گیرد. باید... . آن روز مخبر بایدهای زیادی را گفت و شاید در میان حرف‌های خصوصی‌ترش، تعدادی از نبایدها را نیز گفته باشد، اما محصول آن بایدها و «نبایدهای احتمالی»، هنوز این است که بر اساس طرح جامع شهری، استاندارد تراکم جمعیت به‌ازای هر هکتار باید ۴۰ نفر باشد اما در مشهد این میزان ۴۰۰ نفر، یعنی ۱۰ برابر میانگین استاندارد سکونتی است و بخش عمده این بار جمعیتی، مربوط به حاشیه این کلان‌شهر است؛ یعنی وضعیت طوری است که مشهد از حاشیه در حال رشد است نه از متن.

بماند که بعد از آن استاندار وقت توضیحاتی داد و آمارهایی را با رسانه‌ها در میان گذاشت. مثلا چندی بعد از آن گفت: با وجود اقدامات متنوعی که در حوزه‌های بهداشت و سلامت، ورزشی، اشتغال‌زایی، مسکن و فرهنگی مناطق کمتربرخوردار شهر مشهد صورت گرفته است، همچنان با انباشت معضلات مانده از سال‌های گذشته روبه‌رو هستیم که می‌طلبد با عزم جدی مدیران استانی و اجرای هرچه سریع‌تر طرح تحول حاشیه شهر مشهد، شاهد توسعه و پیشرفت این منطقه تا پایان دولت سیزدهم باشیم. دولت سیزدهم هم تمام شد، اما مشهد همچنان دچار معضل حاشیه‌نشینی است و دست‌کم از روی اخبار، هنوز شاهدی بر این نیست که اوضاع بهبود یافته است.

پایتخت و حاشیه‌نشینی

روستانشینی و شهرنشینی خوبی‌اش این است که در آن تکلیف آدم‌ها روشن است. حالا این موضوع که جمعیت روستانشین ما از اوایل دهه ۵۰ کم و کمتر شده و هر سال بخشی از روستانشینان به شهرها آمده‌اند، جای خود، اما وضع طوری است که مطابق آمارهای آن روز، ۷۰ درصد جمعیت کشور شهرنشین بود و ۳۰ درصد روستانشین ولی حالا این نسبت معکوس شده است. و حتی اگر کارشناسان امر هم نمی‌گفتند، طبیعی بود که این جمعیت سرازیرشده، عموما در محلات حاشیه‌ای شهرها سکنا گزیده‌اند؛ یعنی درست همان محلاتی که در برخی موارد نه روستابودنش معلوم است و نه شهربودنش. استان تهران و به‌ویژه شهر تهران ازجمله مواردی است که گمان می‌کنید باید همه جایش رفاه باشد، اما برخی اوقات تصاویری از حاشیه تهران (از جاهایی که برق ندارد یا دیگر امکانات رفاهی) منتشر می‌شود که آدم حیران می‌ماند. به قول قدیمی‌ترها هوش از سر آدم می‌پرد.

وقتی پای صحبت مسئولی مانند رئیس سازمان امور اجتماعی می‌نشینید و درباره آمار حاشیه‌نشینی تهران صحبت می‌شود، تازه می‌فهمید اوضاع چطور است. او در یک برنامه تلوزیونی گفته بود: اگر سکونتگاه‌های غیررسمی را در نظر بگیریم، بیش از ۴۰۰ هزار نفر در حاشیه شهر زندگی می‌کنند. به گفته او بر اساس تعاریف مختلف می‌توان گفت که در کل کشور از هشت تا ۱۲ میلیون نفر در حاشیه زندگی می‌کنند. در مورد شهر تهران نیز همین است؛ اگر طبق تعریفی عام، مناطق پایینی شهر را حاشیه بدانید، جمعیت زیادی حاشیه‌نشین هستند، اما اگر منظورمان سکونتگاه‌های غیررسمی است باید بگویم بیش از ۴۰۰، ۵۰۰ هزار نفر در حاشیه شهر زندگی می‌کنند. یا پیش‌تر مهدی هدایت، مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران، به نیاز سالانه به ۱۵۰ هزار واحد مسکونی، در ۱۰ سال اخیر اشاره کرده بود که تنها سالانه برای ۶۵ هزار واحد مسکونی پروانه صادر شده است. او بخشی از معضلات درون شهر را به حاشیه نسبت می‌داد و تأکید داشت: این حقیقت تلخ در افزایش رشد قیمت مسکن وجود دارد که رشد چهاربرابری جمعیت حاشیه‌نشین و اخراج شهروندان از تهران بی‌اثر نبوده است.

مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت رونق‌بخشی در حوزه مسکن و قانون جهش تولید مسکن، یادآور شد: با تشکیل قرارگاه جهادی مسکن که مسئولیت پیشبرد مأموریت‌های آن بر عهده سازمان نوسازی شهر تهران قرار دارد، تاکنون حدود ۱۷۰ هزار واحد وارد مراحل نهایی صدور پروانه شده و در این روند، شهرداری علاوه بر تسهیلگری و مانع‌زدایی، بخشی از اراضی متعلق به خود را نیز برای پیشبرد مسئولیت تأمین مسکن اختصاص داده است. به گفته این مقام مسئول، تأمین مسکن جایگزین برای حمایت از نوسازی بافت‌های فرسوده در کنار پیشبرد مأموریت‌های قرارگاه جهادی مسکن در دستور کار سازمان نوسازی قرار گرفته و این سازمان ضمن تسهیل فرایندهای مربوطه، با مشارکت در پروژه‌ها، سعی دارد قدرالسهم حاصل از کارسازی عوارض را به عنوان مسکن معوض یا عواید به‌دست‌آمده از واگذاری آنها به عنوان منابع مورد نیاز را صرف نوسازی بافت‌های فرسوده کند. حاشیه‌نشینی البته یک عارضه جهانی است و ربطی به تهران و پاریس هم ندارد؛ زیرا در عمده کشورهای در حال توسعه این موضوع رواج دارد. مطابق آمارها ۴۲ درصد از جمعیت آسیا در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. به عقیده کارشناسان «یکی از دلایل حاشیه‌نشینی، کثرت شهرنشینی بدون توجه به اصول و مؤلفه‌های شهرسازی است. علت دیگر نیز عدم توجه به مسائل ساختاری اقتصادی مثل عدالت اجتماعی است که باعث شده تعدادی از شهرنشین‌ها نیز به حاشیه رانده شوند؛ افرادی که فقیر شده و به همین دلیل به نقاط ارزان‌تر می‌روند. در حقیقت می‌توان گفت که مسائل اقتصادی عامل اثرگذاری در ایجاد و تداوم حاشیه‌نشینی است».

آمار حاشیه‌نشین در کشور

درباره حاشیه‌نشینی «این تازه آغاز ماجراست»؛ در این زمینه گاه بحث بسیاتر جدی است و صورت امنیتی به خود می‌گیرد و گاه مسئله کاملا اقتصادی می‌شود. هرچه که هست، موضوع چنان دارای اهمیت است که علی آقامحمدی به ریاست «ستاد طرح توانمندسازی و تحول اجتماع‌محور محلات کمتربرخوردار کشور» انتخاب شده است تا با توجه به جایگاهی که دارد، مدیریت بخشی از این ماجرا را بر عهده بگیرد. او چندی پیش با همراهی چند عضو اتاق تعاون به دهلی نو رفته بود تا بتواند طرح ساماندهی ۲۰۲۰ محله کم‌برخوردار را که توسط ایران در حال اجراست، معرفی کند. در خبرها هم آمده بود بر اساس اعلام رئیس اتحادیه بین‌المللی تعاون، اجرای طرح ساماندهی ۲۰۲۰ محله کم‌برخوردار، می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر کشورها باشد و به عنوان یک تجربه در سایر کشورها نیز به اجرا درآید. همه اینها این احتمال را قاعدتا باید بدهد که آمار درستی از وضع حاشیه‌نشینی کشور داشته باشیم اما گویا این‌طور نیست. سال ۹۶ مجید روستا، عضو هیئت‌مدیره شرکت مادرتخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، از زندگی ۱۹ میلیون نفر در بافت فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی سراسر کشور خبر داد. خبرگزاری میزان، به نقل از مجید روستا آورده بود: مطالعات مختلفی درباره مقوله حاشیه‌نشینی صورت گرفته و آماری در این رابطه به دست آمده است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، در حال حاضر ۱۹ میلیون نفر از جمعیت کشور در بافت‌های فرسوده، تاریخی و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند.

روستا از بررسی‌های انجام‌شده درباره وضعیت برخی از محلات کشور خبر داده بود که: در یک مطالعه، وضعیت دوهزارو ۷۰۰ محله که در مناطق حاشیه قرار داشتند، بررسی شد و این مطالعه در مساحتی به وسعت ۱۴۰ هزار هکتار انجام شده است. مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی به یک دغدغه عمومی تبدیل شده و موضوعات مرتبط با آن، اکنون در شورای عالی اجتماعی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با این حال سال گذشته نایب‌رئیس مجمع رؤسای کمیسیون شهرسازی کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها از سکونت ۲۴ میلیون نفری جمعیت کشور در مناطق حاشیه‌نشین خبر داد و گفت: ۵۰۰ هزار نفر نیز در تبریز حاشیه‌نشین هستند.

فریدون بابایی درباره وضعیت حاشیه‌نشینی شهر تبریز گفت: حاشیه‌نشینی ابرچالش شهری دنیاست و نه‌تنها در ایران و تبریز، بلکه در کل دنیا وجود دارد. اگر آمار و ارقام را مرور کنیم، متوجه می‌شویم از هشت و نیم میلیارد جمعیت کره زمین یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون نفر حاشیه‌نشین، زاغه‌نشین و کپرنشین هستند و سکونتگاه‌های غیررسمی با عناوین مختلف توصیف شده‌اند. حاشیه‌نشینی به هر دلیل که روی داده باشد، فعلا آمار درستی از آن وجود ندارد و شاید یکی از دلایلش این باشد که برخی از مسئولان نمی‌دانند یک شهر از کجا تا کجا شهر است و از کجا به بعد حاشیه. شاید حاشیه را فقط بتوان با دردهایش شناخت.

حاشیه‌نشینی ابرچالش شهری دنیاست و نه‌تنها در ایران و تبریز، بلکه در کل دنیا وجود دارد. اگر آمار و ارقام را مرور کنیم، متوجه می‌شویم از هشت و نیم میلیارد جمعیت کره زمین یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون نفر حاشیه‌نشین، زاغه‌نشین و کپرنشین هستند و سکونتگاه‌های غیررسمی با عناوین مختلف توصیف شده‌اند

روزنه

تصمیمات شورای عالی کار برمعیشت کارگران تأثیر اساسی دارد

ایلنا: معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دبیر شورای عالی کار گفت: رسالت و نقش اصلی وزارت کار به نمایندگی از نهاد دولت در شورای عالی کار، تنظیم‌گری بر اساس پایبندی به اصل سه‌جانبه‌گرایی است. پروانه رضایی‌بختیاری، معاون روابط کار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سیصدوسی‌ودومین نشست شورای عالی کار که با حضور احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نمایندگان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی برگزار شد، مهم‌ترین دغدغه دولت چهاردهم را تأمین و بهبود معیشت کارگران عنوان کرد. او افزود: با تشریک مساعی و رعایت اصل سه‌جانبه‌گرایی در شورای عالی کار، باید به سمت یافتن راه‌حل، شیوه‌ای منطقی و نگاه همه‌جانبه برای تعیین حداقل مزد منصفانه کارگران در سال ۱۴۰۴ حرکت کرد. رضایی‌بختیاری ضمن تأکید بر شناسایی عوامل افزایش بهره‌وری نیروی کار در کشور گفت: تصمیمات شورای عالی کار بر معیشت کارگران، اشتغال کشور و میزان نرخ تورم در کشور تأثیرات اساسی دارد. معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشاره کرد: در این نشست طرفین بر ضرورت حفظ اشتغال و افزایش آن تأکید کردند. رضایی‌بختیاری یادآور شد: سعی می‌کنیم با جهت‌گیری درست و تدریجی گام‌های بعدی را به‌گونه‌ای برداریم که فاصله میان هزینه زندگی و دستمزد کاهش یابد. او این نشست را مثبت توصیف کرد و گفت: امیدواریم به راه‌حل‌هایی دست یابیم که تا حدودی پاسخ‌گوی انتظارات باشیم.

صدای نجیب جامعه کارگری را می‌شنوید؟

ایلنا: رئیس کانون بازنشستگان خراسان رضوی با بیان دردهای جامعه کارگری و بازنشستگان، از مسئولان خواست تا به وضعیت معیشتی این قشر توجه کنند. علی‌اصغر رضایی در سیزدهمین اردوی آموزشی و تفریحی و زیارتی اعضای هیئت‌مدیره کانون‌های کارگران بازنشسته مستمربگیران مازندران که در مشهد برگزار شد، با اشاره به نقش پیش‌کسوتان جامعه کارگری در تاریخ انقلاب و دفاع از کشور، خواستار توجه بیشتر به وضعیت معیشتی این قشر شد. او با تأکید بر اینکه بازنشستگان و کارگران همواره در صحنه‌های مختلف انقلاب، جنگ و تحولات اقتصادی کشور حضور فعال داشته‌اند، بیان کرد: ما انقلاب کردیم، در جنگ شرکت کردیم و در تحولات اقتصادی نقش اصلی داشتیم، اما امروز با مشکلات جدی معیشتی روبه‌رو هستیم. رئیس کانون بازنشستگان خراسان رضوی با اشاره به وضعیت اقتصادی دشوار بازنشستگان، بیان کرد که بسیاری از آنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و حقوق‌شان کفاف هزینه‌های اولیه زندگی را نمی‌دهد. رضایی خواستار حضور نمایندگان بازنشستگان در شورای عالی کار و شورای عالی تأمین اجتماعی شد و گفت: بازنشستگان باید در تصمیم‌گیری‌هایی که مستقیم به زندگی آنان مربوط می‌شود، نقش داشته باشند. ما نباید از تصمیم‌گیری‌ها حذف شویم. رضایی همچنین به فساد مالی در برخی نهادها اشاره کرد و از مسئولان خواست تا با شفافیت بیشتر و مبارزه با فساد، به بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کنند.

او با بیان اینکه بسیاری از بازنشستگان با مشکلاتی مانند بی‌کاری فرزندان، هزینه‌های درمانی و ازدواج جوانان دست‌وپنجه نرم می‌کنند، خواستار حمایت بیشتر دولت از این قشر شد. رئیس کانون بازنشستگان خراسان رضوی با تأکید بر لزوم حفظ آرامش جامعه و حرکت در چارچوب قانون، از بازنشستگان خواست تا با رعایت قانون و دوری از اقدامات غیرقانونی، خواسته‌های خود را به گوش مسئولان برسانند. رضایی همچنین از مسئولان خواست تا به خواسته‌های بازنشستگان گوش دهند و آنان را در استفاده از منابع عمومی کشور سهیم کنند. او با اشاره به نقش رهبری در هدایت کشور، بیان کرد: اگر توصیه‌های دلسوزانه و حکیمانه رهبری به‌درستی اجرا می‌شد، وضعیت زندگی بازنشستگان و کارگران بهتر از این بود. رضایی با انتقاد از برخی مسئولان که به جای خدمت به مردم، به فساد روی آورده‌اند، خواستار برخورد قاطع با این افراد شد.